

بازنمایی گفتمان^۱ در داستان و روزنامه

دکتر فریده ره‌گوی

دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

اصطلاح گفتمان چندصدایی - نظریه‌ای که با نام میخائیل باختین، فیلسوف و زبان‌شناس روس گره خورده است - برای خواننده ایرانی اصطلاح ناآشنایی نیست. با این حال، دلالت‌های آن در حوزه‌های مختلف، اعم از فلسفه، زبان، ادبیات و فرهنگ برای او چندان آشکار نیست. این مقاله با رویکرد زبان‌شناختی، این نظریه را از پیامدهای استفاده از شیوه‌ی بازنمایی گفتمان غیرمستقیم آزاد تلقی می‌کند که خود، یکی از چند شیوه‌ی ارائه‌ی گفتار و اندیشه‌ی شخصیت‌های داستانی است که در نگاهی طیفی به موضوع، بین دو شیوه‌ی موسوم به نقل قول غیرمستقیم و مستقیم قابل بحث است. در بازنمایی گفتار (و نوشتار) و اندیشه‌ی شخصیت‌ها، امکان به‌کارگیری شیوه‌های دیگری به جز این سه شیوه، در اختیار نویسنده‌ها هست. چنین امکان‌هایی، موضوع مطالعه‌ی انگاره‌های (مدل‌های) مختلف بازنمایی گفتمان را تشکیل می‌دهد. این مقاله با نظر به انگاره‌ی سمینو و شرت^۲ (۲۰۰۴م.) که بر انگاره‌ی شرت و لیچ^۳ (۱۹۸۱م.) استوار است، به معرفی پنج شیوه‌ی بازنمایی می‌پردازد و بدون امتیاز قائل شدن بر یکی در مقابل دیگری، هر کدام را مقوله‌ای در طول یک پیوستار تعریف می‌کند؛ در یک سمت این پیوستار، صدای محض راوی شنیده و گفتمان از زاویه‌ی دید او بازنمایی می‌شود و در سمت دیگر آن، صدای محض شخصیت به صورت نمایشی ارائه می‌شود و بازنمایی گفتمان از زاویه‌ی دید او صورت می‌گیرد. مقوله‌ی غیرمستقیم آزاد شیوه‌ای است که گفتمان از طریق آن همزمان از زاویه‌ی دید راوی و شخصیت بازنمایی می‌شود؛ از این رو، همزمان دو یا چند صدا شنیده می‌شود. مقوله‌های یادشده، در سه تراز گفتمانی گفتار، نوشتار و

اندیشه به‌ترتیبی که ذکر شد، براساس ملاک‌های نحوی (صوری) و نیز ملاک‌های معناشناختی و منظورشناختی^۴ (نقشی) تعریف می‌شوند.

داده‌های این بررسی از ده داستان بلند، ده داستان کوتاه و ده گزارش خبری روزنامه، با حجم برابر و گزینش تصادفی فراهم آمده است. چنین گزینشی ضمن امکان دادن به مطالعه شیوه‌های یادشده در گفتمان ادبی (داستان)، بررسی مقابله‌ای آن را با یک گفتمان رسانه‌ای (گزارش روزنامه) نیز ممکن ساخته است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی گفتمان، گفتمان داستانی، گفتمان رسانه‌ای، گفتمان چندصدایی، شیوه‌های بازنمایی گفتمان

مقدمه

نحوه ارائه گفتمان، نوشتار و اندیشه می‌تواند یکی از وجوه تمایز گفتمانی خاص با گفتمان دیگر باشد یا اثر داستانی منفرد و سبک داستانی خاصی را از آثار و سبک‌های دیگر متمایز سازد. به‌عبارت دیگر، ممکن است در گفتمان خاصی بازنمایی نوشتار، و در گفتمانی دیگر بازنمایی اندیشه یا گفتمان غلبه داشته باشد؛ برای مثال، کوهن^۵ بازنمایی اندیشه و حالت ذهنی شخصیت‌ها را عامل تفاوت روایت داستانی با روایت غیرداستانی (مثلاً گزارش خبری) و داستان بدون روایت (شعر و نمایشنامه) می‌داند (کوهن، ۱۹۷۸: ۴-۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد بازنمایی نوشتار، روزنامه را از داستان جدا می‌کند. ممکن است استفاده از شیوه‌های یکسان، ولی با بسامدهای متفاوت نیز دو گفتمان را متفاوت جلوه دهد؛ بازنمایی گفتمان مستقیم در داستان پربسامدتر از روزنامه است. از این گذشته، حتی تفاوت در تأثیر و نقش یک مقوله خاص و دلالت‌های متفاوت آن می‌تواند از عوامل تمایز دو گفتمان باشد؛ برای مثال، در داستان اشاره راوی به اینکه شخصیتی صرفاً حرفی زده است (شیوه موسوم به روایت صدا^۶ در انگاره بازنمایی گفتمان) تأثیرهای متفاوتی از چنین اشاره‌ای از سوی گزارشگر روزنامه به‌وجود می‌آورد؛ یعنی داستان‌نویس و گزارشگر مقوله روایت صدا را به‌گونه‌ای متفاوت به‌کار می‌گیرند. این تفاوت‌ها درون یک گونه ادبی نیز می‌تواند به تمایز سبکی بینجامد؛ برای نمونه، بسامد فراوان شیوه بازنمایی اندیشه غیرمستقیم آزاد یکی از معیارهای تشخیص رمان مدرن از کلاسیک به‌حساب می‌آید. مقاله حاضر با بررسی

شیوه‌های بازنمایی گفتمان در متون ادبی (داستان) و رسانه‌ای (روزنامه) دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، شیوه‌های موجود در زبان فارسی را برای بازنمایی گفتمان نشان می‌دهد و مشخص می‌کند گفتمان غیرمستقیم آزاد تنها یکی از این امکانات بوده، شیوه‌ای غالب به‌شمار نمی‌آید و هر یک از شیوه‌های دیگر نیز در جای خود نقش خاص خود را ایفا می‌کنند؛ دیگر اینکه، گفتمان ادبی و گفتمان رسانه‌ای را در شیوه بهره‌برداری از این امکانات مقایسه می‌کند.

چارچوب نظری

پیش از پرداختن به بحث اصلی، ضروری است مقوله‌های بازنمایی گفتمان به اختصار معرفی شود. نمودار زیر - که اقتباسی است وفادارانه از انگاره سمینو و شرت (۲۰۰۴)، و خود بر انگاره لیچ و شرت (۱۹۸۱) استوار است - پیوستار مقوله‌های بازنمایی گفتمان را در سه تراز گفتار، نوشتار و اندیشه، برحسب میزان دخالت راوی در بازنمایی نشان می‌دهد. مقوله‌ها در ترتیب ستونی در پیوستار، در ساخت‌های صوری مشابهی نمود می‌یابد؛ با این حال، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد این صورت‌های مشابه، نقش و تأثیرهای متفاوت و حتی گاهی کاملاً متضادی را از خود به‌نمایش می‌گذارند؛ برای مثال، در ستون چهارم نمودار گفتار غیرمستقیم آزاد و اندیشه غیرمستقیم آزاد باوجود تناظر ساختی، نقش متضادی در داستان دارند: اولی احساس فاصله و دومی احساس همدلی شخصیت را از سوی راوی منعکس می‌کند و به خواننده انتقال می‌دهد. اصطلاح آشنای «جریان سیال ذهن»^۲ در ادبیات، ناظر بر مقوله بازنمایی اندیشه غیرمستقیم آزاد است و «گفتار غیرمستقیم» آزاد را در بر ندارد.

تا پیش از لیچ و شرت (۱۹۸۱)، در استفاده از اصطلاح *گفتمان غیرمستقیم آزاد* به جدایی گفتار و اندیشه اشاره‌ای نشده است. لیچ و شرت با توجه به تفاوت بین دو مقوله *گفتار غیرمستقیم آزاد* و *اندیشه غیرمستقیم آزاد* بررسی مقوله‌ها را در ترازهای جداگانه گفتار و اندیشه ترتیب دادند (لیچ، و شرت، ۱۹۸۱: ۳۴۴). سمینو و شرت با ملاحظه مواردی از بازنمایی که به‌ظاهر گفتار جلوه می‌کنند، ولی در عمل نوشتار محسوب می‌شوند، تراز دیگری با عنوان تراز نوشتار به انگاره خود افزودند. در این مقاله، هر جا که تفاوت‌ها موردنظر باشد، به‌جای استفاده از اصطلاح کلی، مانند گفتمان

غیرمستقیم آزاد از اصطلاحات خاص‌تر مقوله، مانند گفتار غیرمستقیم آزاد، نوشتار غیرمستقیم آزاد، و اندیشه غیرمستقیم آزاد استفاده شده است. نمودار زیر پیوستار مقوله‌های بازنمایی گفتمان را نشان می‌دهد. در این مقوله‌ها حضور راوی و کنترل او بر بازنمایی از راست به چپ به تدریج کمتر می‌شود.

نمودار شیوه‌های بازنمایی گفتار، نوشتار و اندیشه

راوی اصلاً بازنمایی را کنترل نمی‌کند	راوی تا حدودی بازنمایی را کنترل می‌کند	راوی کاملاً بازنمایی را کنترل می‌کند
شیوه‌های بازنمایی گفتمان		
گفتار مستقیم (آزاد) ^{۱۹}	گفتار غیرمستقیم آزاد ^{۱۶}	گفتار غیرمستقیم ^{۱۳}
نوشتار مستقیم (آزاد) ^{۲۰}	نوشتار غیرمستقیم آزاد ^{۱۷}	نوشتار غیرمستقیم ^{۱۴}
اندیشه مستقیم (آزاد) ^{۲۱}	اندیشه غیرمستقیم آزاد ^{۱۸}	اندیشه غیرمستقیم ^{۱۵}

در جدول‌های یک، دو و سه مقوله‌های هر تراز با مثالی معرفی و سپس هر یک به لحاظ صورت، نقش و بسامد در گفتمان داستانی و گفتمان خبری روزنامه توصیف و تحلیل می‌شود.

جدول شماره ۱: مقوله‌های بازنمایی گفتار

مقاله	مثال
روایت صدا	<u>همچنان حرف می‌زد.</u>
روایت کنش گفتار بدون موضوع روایت کنش گفتار با موضوع	شاید رفتارشان مناسب نبود. <u>اعتراض کرد.</u> <u>به رفتار نادرستشان اعتراض کرد.</u>
گفتار غیرمستقیم (یا نقل قول غیرمستقیم)	گفت که رفتارشان درست نیست / نبود.
گفتار غیرمستقیم آزاد	گفت که انتظارش را داشت. اما <u>چنین رفتاری واقعاً درست نبود.</u>
گفتار مستقیم (یا نقل قول مستقیم) گفتار مستقیم آزاد	گفت: <u>“چنین رفتاری واقعاً درست نیست.”</u> <u>“چنین رفتاری واقعاً درست نیست.”</u>

جدول شماره ۲: مقوله‌های بازنمایی نوشتار

مقاله	مثال
روایت نوشتار	نامه‌اش رسید. <u>خیلی حرف‌ها زده بود.</u>
روایت کنش نوشتار بدون موضوع روایت کنش نوشتار با موضوع	<u>روزنامه‌ها انتقاد کرده بودند.</u> <u>روزنامه‌ها در سطح وسیعی این خبر را پوشش دادند.</u>
نوشتار غیرمستقیم	نوشته بود که <u>رفتارشان درست نیست و از این حرفا.</u>

نوشتار غیرمستقیم آزاد	در نامه گفته بود که انتظارش را داشته. اما <u>چنین رفتاری واقعاً درست نبود.</u>
نوشتار مستقیم (یا نقل قول مستقیم) نوشتار مستقیم آزاد	نوشت: " <u>چنین رفتاری واقعاً درست نیست.</u> " " <u>چنین رفتاری واقعاً درست نیست.</u> "

جدول شماره ۳: مقوله‌های بازنمایی اندیشه

مقاله	مثال
روایت حالت درونی	<u>هیجان زده می نمود.</u>
روایت کنش اندیشه بدون موضوع روایت کنش اندیشه با موضوع	در فکر بود. <u>بر آنچه بر او گذشته بود فکر می کرد.</u>
اندیشه غیرمستقیم	فکر می کرد که <u>پیشامد جالبی رخ داده است.</u>
اندیشه غیرمستقیم آزاد	<u>چه پیشامد جالبی رخ داده بود!</u> هنوز هم نمی توانست باور کند.
اندیشه مستقیم اندیشه مستقیم آزاد	اندیشید: " <u>چه پیشامد جالبی!</u> " <u>چه پیشامد جالبی! از ذهنش گذشت.</u>

مقاله‌های بازنمایی گفتمان

در این قسمت، شیوه‌های بازنمایی گفتمان به ترتیب جایگاهشان در پیوستار ذکر شده در نمودار بالا، از راست به چپ، یعنی از سمت صدای راوی تا صدای شخصیت بررسی می‌شود. در این بررسی، ترتیب ستونی نمودار نیز در نظر گرفته شده است؛ یعنی هر مقوله نخست در تراز بازنمایی گفتار، سپس در تراز نوشتار و سرانجام در تراز اندیشه بازکاوی می‌شود.

۱. روایت صدا / روایت نوشتار / روایت حالت درونی

۱-۱. روایت صدا

مقوله روایت صدا شیوه‌ای است که در آن مؤلف قصد دارد نشان بدهد کسی یا کسانی فقط در یک فعالیت کلامی وارد شده‌اند؛ ولی هیچ اشاره صریحی به نوع کنش گفتار^{۲۲}، یا موضوع و محتوای گفته‌ها نمی‌کند (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۶۹). این مقوله یا در گروه اسمی یا در یک بند (جمله‌واره) تحقق می‌یابد. در این صورت، اسم در گروه اسمی (مثال یک) و فعل در ساخت بند (مثال دو) به رخداد گفتار^{۲۳} اشاره دارد. در روزنامه، گروه اسمی ساخت پرکاربرد برای این مقوله است. با این حال، اسم‌های خاص محدودی، از قبیل شایعه، کنفرانس، همایش و... برای اشاره به رخداد گفتار دیده می‌شود و اغلب آن‌ها دارای مفهوم سیاسی / اجتماعی است (مثال یک). داستان (مثال دو) در مقایسه با گزارش خبری از گونه‌گونی واژگانی بیشتری در این مورد برخوردار است.

۱. حسین قضاوی ادامه داد: «این گونه شایعات منشأ رسانه‌ای دارد و جامعه اقتصادی کشور تا زمانی که سیاست‌ها از سوی مرجع رسمی ارز، یعنی بانک مرکزی اعلام نشده است، نباید در این زمینه ابراز نگرانی داشته باشد.»
(کارگزاران، تورم را کنترل می‌کنیم، ۱۳)

۲. بلوچ پیچ‌پیچ می‌کرد.

(بزرگ علوی، گیله‌مرد)

جدول شماره چهار توزیع مقوله روایت صدا را در داستان و گزارش خبری روزنامه به نسبت یکسان نشان می‌دهد. با این حال، بین داده‌های داستانی و غیرداستانی به لحاظ بافت وقوع، نقش و اینکه چه چیزی با این مقوله نشان داده می‌شود تفاوت‌های جالبی وجود دارد.

جدول شماره ۴: بسامد مقوله‌های بازنمایی گفتار در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۵۱	۴۹	۱۰۰	روایت صدا
۱۰۵	۱۸۲	۲۸۷	روایت کنش گفتار (بدون/ با موضوع)

۴۳	۶۸	۱۱۱	گفتار غیرمستقیم
۲۰	۳۲	۵۲	گفتار غیرمستقیم آزاد
۳۸۰	۳۰۴	۶۸۴	گفتار مستقیم (- آزاد)
۵۹۹	۶۳۵	۱۲۳۴	مجموع

جدول شماره ۵: میانگین طول مقوله‌های بازنمایی گفتار در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۵/۲۳	۵/۵۹	۵/۴۱	روایت صدا
۶/۲	۱۲/۹	۹/۵۵	روایت کنش گفتار (بدون/ با موضوع)
۱۰/۵۵	۲۱/۳	۱۵/۹	گفتار غیرمستقیم
۱۹/۳	۱۷/۷	۱۸/۵	گفتار غیرمستقیم آزاد
۱۶/۵۷	۲۸/۸	۲۲/۶۷	گفتار مستقیم (- آزاد)

مقوله روایت صدا نقش و تأثیرهای مختلفی در داستان و روایت خبری دارد. ممکن است هم در روزنامه و هم در داستان از آن به‌عنوان مقدمه‌ای برای معرفی یک رخداد صحبت، و در داستان برای معرفی یک نوبت مکالمه استفاده شود که در ادامه بحث به‌تفصیل به آن پرداخته می‌شود. روایت صدا با این نقش معرفی‌کنندگی در بسیاری از بافت‌های وقوع این مقوله در سراسر پیکره دیده می‌شود و به‌ویژه در بخش داده‌های مطبوعاتی پربسامدتر است. انتخاب این شیوه بازنمایی در این بافت‌ها مانند نشانه‌ای است که خواننده را آگاه می‌کند که امکان خواندن درباره چه موضوعی را می‌تواند داشته باشد. در مثال‌های سه، روایت صدا چنین کارکردی دارد:

۳. ... تا بخوادم فکر کنم چه معنی می‌دهد، صدای نادر را می‌شنوم.

باید به کارفرما یه مهلت دو - سه روزه داد.

(احمد محمود، همسایه‌ها)

در بخش مطبوعات پیکره، اغلب موارد روایت صدا به رخدادهای صحبتی اشاره دارند که دارای ارزش خبری است؛ مانند مصاحبه و گفت‌وگوهای رسمی و سیاسی (مثال چهار)؛ ولی در داستان اغلب صحبت غیررسمی مطرح است.

۴. ... همچنین به گزارش ایرنا، پیش از ملاقات دیشب جلیلی و سولانا، دبیر شورای عالی امنیت ملی با رئیس هیئت پارلمانی اروپا در ارتباط با ایران و دیگر اعضای این هیئت دیدار کرد. وی همچنین امروز با بنیتافرروالدنر، کمیسیونر روابط خارجی اتحادیه اروپا گفت‌وگو می‌کند.

(روزنامه همشهری، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۵)

موارد زیادی در داستان هست که عنصر ناظر بر گفتار شیوه گفتار را نیز نشان می‌دهد؛ مانند پچ‌پچه، زمزمه و فریاد. در گزارش خبری چنین مواردی بسیار نادر است. در داستان، مقوله روایت صدا نقش‌های دیگری نیز دارد، از جمله:

الف) بازنمایی گفته یا گفته‌هایی که از زاویه دید^{۲۴} خاص بی‌اهمیت‌اند (مثال پنج):

۵. پیروش و پریچهر و پریرخ و پریزاد. همه از عشق حرف بزنیم. (یکباره به یاد گیتی افتاده‌ام) دسر بستنی توت فرنگی و قهوه فرانسه با شیر گرم. بیرون رستوران کتم را به دوش دارد. همچنان باید حرف زد. می‌پرسد قدم بزنیم. نه. با تاکسی می‌رسانمش تا در منزل. خداحافظ. خسته‌ام کسل و تنبل.

(شمیم بهار، طرح)

ب) بازنمایی گفته یا گفته‌هایی که از زاویه دید مورد نظر دور است و شنیده نمی‌شود (مثال شش):

۶. پشت یکی از درخت‌ها پنهان شده بودم. پهلوی هم ایستاده بودند. لب‌های آراکس تکان می‌خورد.

(علی خدایی، از میان شیشه و مه)

پ) بازنمایی صحبتی که به عمد به گونه‌ای ادا شده است که از زاویه دید خاص در روایت قابل شنیدن نباشد (مثال هفت):

۷. حیاط بزرگ بود و حوض بزرگی داشت که یه دریا آب می‌گرفت وسط حیاط بود و روی سکوی کنار حوض، چند زن بزک‌کرده نشسته بودند عین پنجه ماه، دهنشون

می‌جنبید و انگار چیزی می‌خوردند که تمومی نداشت. منو که دیدند خنده‌شون گرفت و خندیدند و هی با هم حرف می‌زدند و پیچ‌پیچ می‌کردند.
 (غلامحسین ساعدی، گدا) ۱-۲. روایت نوشتار: این مقوله همتای نوشتاری مقولهٔ روایت صداست و به فعالیت نوشتاری مختصری اشاره می‌کند، بی‌آنکه محتوای متن نوشته‌شده را آشکار سازد (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۰۲) (مثال هشت):

۸. خم شد بر کاغذ، مداد به دست. نوشت.

(هوشنگ گلشیری، نیمه تاریک ماه، ۴۳۰)
 ولی چون فرایند نگارش برخلاف گفتار به تولید مادی متن خاصی منجر می‌شود (مثل نامه، کتاب و غیره) اغلب، ناگزیر باید به‌طور صریح یا ضمنی به نوع متن نیز اشاره شود (مثال نه):

۹. آراکس گفت: «تنها یادگاری تو و من از ایوان. بعد از آن تو نه دیگر به من نگاه کردی و نه به ایوان و رفتی. گاهی یک نامه می‌نوشتی تا برای تو نوشتم ایوان مرد. آمدی اینجا کلاه کپی را پرت کردی روی صلیب قبر.»

(علی‌خدایی، از میان شیشه و مه)
 آن‌گونه‌که جدول شمارهٔ شش نشان می‌دهد، در گزارش‌های خبری روزنامه، روایت نوشتار با اختلاف بسیاری پربسامدتر از موارد آن در داستان است؛ در مقابل، میانگین طول مقوله‌ها برحسب تعداد کلمه‌های به‌کار رفته در آن کوتاه‌تر از موارد مشابه در داستان است (جدول شماره هفت). این تفاوت را می‌توان چنین توجیه کرد که برخی موارد این شیوهٔ بازنمایی در داستان، جزئیاتی دربارهٔ شرایط فعالیت نوشتاری مربوط (مثل مکان و علت نوشتن) را نیز آشکار می‌کنند (مثال ده):

۱۰. من فقط برای این احتیاج به نوشتن که عجلتاً برایم ضروری شده است می‌نویسم _ من محتاجم، بیش از پیش محتاجم که افکار خودم را به موجود خیالی خودم، به سایه خودم ارتباط بدهم.

(صادق هدایت، بوف کور، ۲)

مقولهٔ روایت نوشتار برخلاف روایت صدا ارجاعی تنها به نگارش یک شخص اشاره دارد. تنها موارد معدودی، مانند مثال یازده، ممکن است چنین نباشد:

۱۱. برخی در بعضی از رسانه‌ها حرف‌هایی زده‌اند که نه ربطی به نامه من به حداد عادل دارد نه مرقومه مقام معظم رهبری.

(کارگزاران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۳)

در این نمونه، کنش «حرف‌هایی زده‌اند» می‌تواند به فعالیت نوشتاری اشخاص مختلفی در روزنامه نیز اشاره داشته باشد.

جدول شماره ۶: بسامد مقوله‌های بازنمایی نوشتار در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۶	۱۷	۲۳	روایت نوشتار
۱۱	۹۴	۱۰۵	روایت کنش نوشتار (بدون/ با موضوع)
۱	۱۸	۱۹	نوشتار غیرمستقیم
۱	۱	۲	نوشتار غیرمستقیم آزاد
۷	۳	۱۰	نوشتار مستقیم (- آزاد)
۲۵	۱۳۳	۱۵۸	مجموع

جدول شماره ۷: میانگین طول مقوله‌های بازنمایی نوشتار در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۶/۵	۴/۹۴	۵/۸	روایت نوشتار
۶/۳۷	۹/۱۳	۷/۷	روایت کنش نوشتار (بدون/ با موضوع)
۴/۵	۱۴/۵	۹/۵	نوشتار غیرمستقیم
۱۰	۲۴	۱۷	نوشتار غیرمستقیم آزاد
۱۳۵	۳۲/۷	۸۳/۸	نوشتار مستقیم (- آزاد)

تنوع واژه‌های عمل نوشتن از گفتار کمتر است. در موارد بسیاری فعل‌های گفتار بر نوشتار دلالت دارند؛ به این دلیل که این دو فرایند شباهت بیشتری به هم دارند. در گفتار روزمره نیز گاهی اوقات گفتن را به جای نوشتن به کار می‌بریم.

۳-۱. روایت حالت درونی

مقوله روایت حالت درونی، نمایش حالت ذهنی و تغییراتی است که در بردارنده پدیده شناختی - عاطفی است و به کنش اندیشه خاصی اشاره ندارد. مواردی که برجسب مقوله روایت حالت درونی می‌خورد، با سایر مقوله‌های نمایش اندیشه متفاوت است. در این مورد، حالت یا فرایند شناختی در کار است؛ برای مثال، تجربه‌ای که می‌توان شکلی از شناخت تلقی کرد بی‌آنکه به کنش اندیشه خاصی مانند فکر کردن، حدس زدن و نظایر آن اشاره کند و محتوای گزاره‌ای یا به کلام درآوردن اندیشه‌ای باشد که در ذهن شخصیت می‌گذرد (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۳۲).

۱۲. پدرت دلتنگ است. دیروز از روشویی که آمد بیرون دیدم چشم‌هایش قرمز شده.

(حسین مرتضائیان آبکنار، عطر فرانسوی، ۳۴)

قسمت خط‌کشیده‌شده در مثال بالا، در درجه اول به واکنشی عاطفی اشاره دارد؛ ولی این واکنش عاطفی در نتیجه پردازش شناختی محرک خاصی است. پردازش گفتار یا رفتار خود یا دیگری ممکن است به این واکنش منجر شده باشد. در واقع، این پردازش، شناختی است که مبنای تصمیم‌گیری در تلقی چنین مواردی به عنوان روایت حالت درونی در کنار دیگر مقوله‌های بازنمایی اندیشه می‌شود.

روایت حالت درونی از نظر واژگانی که به حالت ذهنی اشاره می‌کند، متنوع است و داستان از این تنوع بیشترین بهره‌برداری را می‌کند. این واژه‌ها به عاطفه و شناخت مربوط می‌شوند (برای مثال فعل‌هایی همچون گیج شدن، غمگین شدن، اهمیت دادن و اسم‌هایی مانند کنجکاوی، اشتیاق و عقده). برخی واژه‌ها نیز که در درجه نخست به کنش یا شیء مادی دلالت دارند، ممکن است به‌طور استعاری به تجربه عاطفی یا شناختی دلالت کنند؛ برای مثال «ظاهر شدن تصویر در مقابل چشم»، یعنی تشکیل خاطره‌ای در نتیجه تجربه‌ای خاص، مثل تجربه‌ای شنیداری در مثال سیزده.

۱۳. اولین عشق؟ یادم نمی‌آید. کی، کجا؟ ده‌ها تصویر، مثل عکس‌های افتاده روی هم مقابل چشم‌هایم ظاهر می‌شوند: پسرهای محله محمودیه، راننده‌های اتوبوس، دوستان مسن و کچل پدر، هنرپیشه‌های سینما، رهگذری غریبه توی کوچه، موجوداتی خیالی، نویسندگانی که عکسشان توی روزنامه است.

(گلی ترقی، دو دنیا، ۱۸)

دو قسمت خط‌کشیده شده در مثال بالا، روایت حالت درونی هستند. در موارد مختلف مانند این دو مورد، ممکن است طول مقوله برحسب کلمه‌های به‌کار رفته در آن متفاوت باشد؛ ولی در مجموع، میانگین طول آن در پیکره بیشتر از میانگین طول روایت صداست که مقوله مشابه آن در بازنمایی گفتار دیده می‌شود (جدول شماره پنج و هشت). جدول شماره هشت، این مقوله را در بخش داستان با اختلاف بسیار، پربسامدتر از بخش روزنامه‌ای پیکره نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: بسامد مقوله‌های بازنمایی اندیشه در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۸۹	۱۰	۹۹	روایت حالت درونی
۴۷	۲۸	۷۵	روایت کنش اندیشه (بدون/ با موضوع)
۶۶	۳۰	۹۶	اندیشه غیرمستقیم
۴۵	-	۴۵	اندیشه غیرمستقیم آزاد
۳۸	-	۳۸	اندیشه مستقیم (- آزاد)
۲۸۵	۶۸	۳۵۳	مجموع

جدول شماره ۹: میانگین طول مقوله‌های بازنمایی اندیشه در پیکره

پیکره			مقوله
داستان	روزنامه	کل	
۶/۶	۷	۶/۸	روایت حالت درونی
۶/۳۳	۱۱/۴	۸/۹	روایت کنش اندیشه (بدون/ با موضوع)
۷/۸	۱۴/۶	۱۱	اندیشه غیرمستقیم
۲۵	-	۲۵	اندیشه غیرمستقیم آزاد
۱۵	-	۱۵	اندیشه مستقیم (- آزاد)

در تمام مقوله‌های بازنمایی اندیشه، از جمله مقوله روایت حالت درونی، برحسب دسترسی راوی / گزارشگر به ذهن اندیشنده دو امکان وجود دارد: ۱. راوی به ذهن اندیشنده مستقیم دسترسی دارد؛ ۲. دسترسی مستقیم به آن ندارد و تنها شواهد غیرمستقیمی، از قبیل گفتار، رفتار کلی و حالت چهره، مبنای استنباط آن را فراهم می‌آورد.

وقتی در داستان، راوی سوم شخص دانای کل اندیشه شخصیت(ها) را بازگو می‌کند یا راوی / گزارشگر افکار یا حالات درونی خود را بازمی‌نماید، اندیشه غیراستنباطی را نشان می‌دهد (مثال سیزده)؛ ولی وقتی راوی / گزارشگر افکار شرکت‌کنندگان در روایت (به‌جز افکار خود) را بازمی‌نماید، استنباطی از اندیشه یا حالت درونی آن‌ها را ارائه می‌کند (مثال دوازده). در مورد گزارش‌های روزنامه‌ای، بازنمایی اندیشه اغلب چنین وضعیتی دارد.

۲. روایت کنش گفتار / نوشتار / اندیشه (بدون / با موضوع)

۲-۱. روایت کنش گفتار (بدون / با موضوع)

در روایت، چنانچه راوی بخواهد نوع کنش گفتار را نشان بدهد، از این شیوه بازنمایی استفاده می‌کند و بسته به هدف استفاده از آن، ممکن است موضوع گفتار را مشخص کند (مثال چهارده) یا ناگفته بگذارد (مثال پانزده). معمولاً این کنش‌ها تأثیر کارگفتی^{۲۵} نیز دارند (مانند انتقاد و تشکر). ساخت و تحقق این مقوله، گروه اسمی یا بند است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۷۳). در روزنامه، در مقایسه با داستان، بسامد بیشتری دارد و طول موارد آن نیز بر حسب تعداد کلمه بیشتر است.

۱۴. قائم مقام معاون دانشجویی وزارت علوم از تشکیل پرونده پزشکی برای تمام دانشجویان جدیدالورود خبر داد. حسن مسلمی نائینی در گفتگو با فارس با اشاره به اینکه کارت سلامت به دانشجویان جدیدالورود ارائه می‌شود، گفت: معاینه پزشکی دانشجویان جدیدالورود ۲۱۰ میلیون تومان اعتبار می‌برد.

(جام جم، ۲ مرداد ۱۳۸۶، ۱۷)

۱۵. خانم سرمدی تا دم در آمد و با آرزو دست داد. «خیلی خوش آمدید. امیدوارم باز سرفرازمان کنید» بعد رو به سهراب گفت: «بچه‌ها تشکر کردند.»
سوار ماشین که شدند آرزو پرسید: «بچه‌ها از چی تشکر کردند؟»...

(زویا پیرزاد، عادت می‌کنیم، ۱۳۳)

نگفتن عمدی موضوع گفتار از سوی راوی یا شخصیت داستان، می‌تواند معانی ضمنی را برساند. در مثال پانزده، «تشکر» مسئله‌ای است که سهراب نگفته نیز می‌داند؛ خواننده نیز به‌طور ضمنی استنباط می‌کند و آرزو لازم نیست آگاه شود. در تعلیق گذاشتن کنجکاو آرزو در ادامه داستان، یکی از امکاناتی است که راوی برای ترسیم بزرگ‌منشی و فروتنی شخصیت سهراب به‌کار می‌برد.

در روزنامه، روایت کنش گفتار بدون موضوع یا با اشاره کوتاه به موضوع گفتار، مناسب عنوان خبری است؛ زیرا عنوان خبر فضای کمتری می‌خواهد.

۱۶. تأیید خاموشی‌های شهری

(کارگزاران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۳)

به‌جز این نقش‌ها، روایت کنش گفتار هم در داستان و هم در روزنامه نقش بازکردن باب موضوع و خلاصه‌کردن محتوای گفتار را دارد. با این حال، تأثیر ایجادشده و انگیزه‌های کاربرد آن برای این مقاصد در این دو گفتمان تفاوت دارد. از یک‌سو، وقتی نویسنده‌ای در داستان باب موضوعی را به این شیوه باز می‌کند، زمینه را برای برجسته کردن بقیه گفتمان فراهم می‌آورد و خود این موضوع برجسته‌سازی و زمینه خودکار با تشکیل درون‌مایه اثر همسویی دارد. ولی گزارشگر می‌خواهد توجه خواننده را به‌سرعت به ادامه مطلب خود جلب کند. البته برجسته‌سازی و جلب توجه کردن دو موضوع جداست. از سوی دیگر، ارائه خلاصه محتوای گفتار دلالت‌های متفاوتی می‌تواند داشته باشد. گزارشگر از این طریق با به‌کارگیری کمترین فضا و ایجاد ساخت‌های پیچیده، می‌تواند اطلاعات بیشتری به خواننده بدهد. ساخت‌های طولانی‌ای که راوی از طریق آن‌ها کنش گفتاری را در روایت بازنمایی می‌کند، تأثیر سبک رسمی را دارد و بیشتر مناسب گزارش خبری است تا داستان (مثال هفده):

۱۷. مقامات امنیتی حماس و شاهدان همچنین تصریح کردند، عصر روز سه‌شنبه صدها تن از زنان و بیماران فلسطینی که اغلب آن‌ها زنان معترض به ادامه محاصره غزه بودند، در اعتراض به بسته ماندن گذرگاه رفح و ممانعت مقامات قاهره از انتقال بیماران فلسطینی به این کشور جهت درمان، تظاهرات گسترده‌ای را به‌راه انداختند.

(جمهوری اسلامی، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۶)

در مثال هفده، کنش «تظاهرات به‌راه انداختند» (البته مربوط به بیش از یک نفر است) کنشی ملازم با کلام است و تأثیر کارگفتی دارد. بنابراین، جمله ۴۴ کلمه‌ای مثال هفده بازنمایی راوی از کنش گفتار است. موضوع نوزده کلمه‌ای این کنش: «اعتراض به بسته... جهت درمان» کنش گفتاری با موضوع است. استفاده از این شیوه بازنمایی گفتار با چنین ساخت دستوری پیچیده‌ای ناشی از فشردگی حجم زیادی از اطلاعات در یک جمله است. این مقوله به گزارشگر این امکان را نیز می‌دهد که خلاصه جامعی از یک یا چند گفته را در اختیار خواننده بگذارد (مثال هفده و هجده).

۱۸. دور دوم مذاکرات میان ایران و آمریکا درباره مسائل عراق امروز سه‌شنبه در بغداد برگزار می‌شود.

۲-۲. روایت کنش نوشتار (بدون/ با موضوع)

روایت کنش نوشتار (بدون/ با موضوع)، برچسب پوششی برای دو مقوله روایت کنش نوشتار بدون اشاره به موضوع نوشتار (مثال نوزده)، و روایت کنش نوشتار با اشاره به موضوع نوشتار (مثال بیست) است:

۱۹. فقط یک هفته ماندند و رفتند. پدر از هر گوشه‌ای، گنبدی، کتیبه‌ای، عکسی برمی‌داشت. عکس محراب گچ‌بری‌شده را کریستین گرفت. مادر در دفترچه کوچکش یادداشت می‌کرد، می‌پرسید و یادداشت می‌کرد.

(هوشنگ گلشیری، کریستین و کید)

۲۰. کنار پنجره، روی صندلی لهستانی سردی نشستم و تند تند خوابی را که دیده بودم یادداشت کردم.

(جعفر مدرس صادقی، گاوخونی، ۸)

این مقوله پربسامدترین مقوله بازنمایی نوشتار است. تعداد موارد این مقوله در بخش داستانی ۱۱ و در بخش غیرداستانی ۹۴ مورد است. در بخش غیرداستانی، میانگین طول آن بیشتر از بخش داستانی است. در این بخش، پیچیدگی دستوری جمله‌ها ناشی از کاربرد این شیوه بازنمایی نوشتار با ساخت‌های طولانی است.

۲۱. انتشار خبری مربوط به بررسی طرح کاهش نرخ دلار از ۹۴۰ تومان به ۷۰۰ تومان در شورای پول و اعتبار که از سوی یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی منتشر شد، واکنش گسترده کارشناسان و فعالان اقتصادی را در پی داشت.

(دنیای اقتصاد، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۳)

در گزارش روزنامه بیشتر ممکن است فاعل دستوری فعلی که بر کنش نوشتار دلالت دارد، نویسنده متن نوشته شده‌ای نباشد که از آن سخن می‌رود:

۲۲. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه درباره نشست برلین اظهار داشت: پیش‌نویس قطعنامه جدید گروه ۱+۵ در مورد برنامه هسته‌ای ایران، انجام مذاکرات مستقیم با تهران را مدنظر قرار داده است.

(ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۵)

قسمت پررنگ مثال ۲۲، با توجه به اینکه سخن از متن نوشتاری می‌رود، بندی است که بازنمایی کنش نوشتار با موضوع شمرده، و فعل «مدنظر قرار دادن» در آن کنش نوشتاری به‌شمار می‌آید. پیش‌نویس قطعنامه (در جایگاه فاعل این بند) را مسلماً نمی‌توان کنشگر (مد نظر قراردهندگان) دانست. روایت کنش نوشتار (بدون/ با موضوع) نیز نقش بازکردن باب موضوعی را دارد که در قسمت‌های بعدی متن مفصل‌تر ارائه می‌شود؛ از این رو، نقش خلاصه‌کنندگی مطلب را ایفا می‌کند.

۲-۳. روایت کنش اندیشه (بدون/ با موضوع)

روایت کنش گفتار و نوشتار جنبه‌ای ارتباطی و تأثیر کارگفتی دارد، درحالی‌که کنش اندیشه، کنش ارتباطی نیست؛ لذا مفهوم تأثیر کارگفتی به آن اطلاق نمی‌شود. تنها جایی که روایت کنش گفتار و روایت کنش اندیشه بسیار به هم شبیه می‌شوند وقتی است که کسی به‌طور ذهنی کنشی را انجام می‌دهد که در حالت معمول یک کنش گفتاری است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۳۰) (مثال ۲۳):

۲۳. هستی خسته شده بود. از خودش بازخواست می‌کرد.

(سیمین دانشور، جزیره سرگردانی، ۱۶۱)

در بیشتر موارد، روایت کنش اندیشه حتی با اشاره به موضوع اندیشه، تنها نشان می‌دهد اندیشه خاصی به ذهن شخصیت داستان خطور کرده است و به محتوای گزاره‌ای یا به کلام درآوردن آن اندیشه اشاره‌ای نمی‌کند. این موارد معمولاً با فعل‌هایی، مثل به یاد... افتادن، به خاطر داشتن، در ماندن و... همراه هستند. این مقوله نیز مثل روایت کنش گفتار (بدون/ با موضوع)، در بند مستقل و یا در گروه اسمی تحقق می‌یابد.

۲۴. یاد رستوران سوییس افتاد و استیک و کارد و چنگال. سنگک داغ و برشته بود و

بوی ترشی لپته که خورد به دماغش گشنه‌اش شد.

(زویا پیرزاد، عادت می‌کنیم، ۱۹۱)

در این مثال، کنش یاد رستوران ... افتادن دقیقاً مشخص نمی‌کند در ذهن شخصیت چه گذشته و با چه کلماتی به این موقعیت اندیشیده است. در روایت کنش اندیشه (بدون/ با موضوع) معمولاً از فعل‌های شناختی (مثل شناختن و فکر کردن) استفاده می‌شود. مفعول چنین فعلی - که یک گروه اسمی است - موضوع آن اندیشه یا کنش شناختی محسوب می‌شود (مثال ۲۴).

۲۵. صدای گریه آسیه را شناختم که کم‌کم دور می‌شد.

(بیژن نجدی، یوزپلنگانی که با من دویده‌اند، ۲۳)

روایت کنش اندیشه (بدون/ با موضوع) نقش خلاصه‌کنندگی را ندارد که معمول

همتای گفتاری و نوشتاری‌شان است.

۳. گفتمان غیرمستقیم

۳-۱. گفتار غیرمستقیم

در این شیوه، راوی محتوای گفته‌های یک یا چند نفر را بازنمایی می‌کند بدون آنکه ملزم به کاربرد واژه و دستور گفتار اصلی شخصیت باشد (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۷۷). گفتار غیرمستقیم به لحاظ صوری بند وابسته‌ای است (قسمت خط کشیده‌شده در مثال

۲۶) و به دنبال ساختی می‌آید که اسم یا فعلی دال بر فعالیت گفتاری دارد؛ این ساخت در اصطلاح ساخت گزارش‌کننده گفتار^{۲۶} (قسمت پررنگ مثال ۲۶) خوانده می‌شود:

۲۶. به او گفته بودند که هر وقت خواست بگریزد با تیر کارش را بسازد.

(بزرگ علوی، گیله مرد)

نقشی همانند نقش روایت کنش گفتار در خلاصه کردن محتوای گفته‌های طولانی یک یا چند نفر را دارد؛ از این رو، در بخش مطبوعات پیکره پرسامدتر و طولانی‌تر از بخش داستانی است. استفاده از آن ممکن است به این دلیل باشد که تنها محتوای گفتار اهمیت دارد و واژگان و دستور گفتار اولیه برای نویسنده/گزارشگر چندان مهم نیست (مثال ۲۷) یا پوشش دادن عین گفته(ها)ی اولیه امکان ندارد (مثال ۲۸). این وضعیت می‌تواند برای گزارشگر یا راوی محدود پیش بیاید؛ ولی در مورد راوی دانای کل صدق نمی‌کند.

۲۷. رهبران حماس از مردم خواستند که ضمن احترام به نیروهای امنیتی مصر، پس از تأمین مایحتاج خود به غزه بگردند.

(ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۵)

۲۸. البته گفته می‌شود که برخی از آنان برای دیدار با خویشاوندان و نزدیکان خود در شهرها و روستاهای اطراف رفح ماندند.

(ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۵)

در مثال ۲۸، نویسنده گزارش در استفاده از ساخت مجهول «گفته می‌شود» در بند گزارش‌کننده، دسترسی نداشتن خود را به منبع گفتار اعلام می‌کند و از بازنمایی گفتار غیرمستقیم بهره می‌گیرد. انگیزه‌های دیگری نیز در داستان نویسنده را به استفاده از این شیوه سوق می‌دهد. ایجاد پس‌زمینه (قسمت خط‌کشیده شده در مثال) برای برجسته‌سازی ساخت بعدی در روایت (قسمت پررنگ شده در مثال) از این انگیزه‌هاست (مثال ۲۹):

۲۹. بعد هم گفت که زنش سر نترسی دارد و تعریف کرد که یک شب، نصف شب، که از خواب پریده دیده کنار پنجره نشسته، روی یک صندلی. دکتر که صدایش زده زن گفته: نمی‌دانم چرا این گرگ همه‌اش می‌آید روبه‌روی این پنجره.

(هوشنگ گلشیری، نیمه‌تاریک ماه، ۲۳۳)

علاوه بر این، در مکالمه‌های داستانی، گفتار غیرمستقیم در تعامل با گفتار مستقیم تقابل نگرش دو طرف مکالمه را به مکالمه نشان می‌دهد (مثال ۳۰):

۳۰. می‌گوید: «وای خانم جان، مردم. گوشت تنم آب شد. چقدر خندیدم. کاش پسرهام می‌دیدند»، و دوباره غش و ریشه می‌رود. ... دوباره می‌گوید: «خانم جان. هر وقت رسیدیم سوئد خیرم کن. می‌ترسم جا بمانم.» بهش توضیح می‌دهم که هواپیما مثل اتوبوس نیست. ده جا توقف نمی‌کند. از فرودگاه تهران بلند می‌شود و در فرودگاه شارل دوگل می‌نشیند. باید پیاده شود و طیاره‌اش را عوض کند.

(گلی ترقی، اناربانو و پسران)

مثال شماره سی، بخشی از داستانی است که در سراسر آن اناربانو سعی می‌کند راوی- شخصیت را به صحبت بگیرد؛ ولی کمتر موفق می‌شود. نوبت گفت‌وگوی او به صورت گفتار مستقیم (قسمت پررنگ شده) گزارش می‌شود؛ ولی در مورد راوی- شخصیت گزارش به صورت غیرمستقیم (قسمت خط‌کشیده شده) است. این تغییر در شیوه بازنمایی، بی‌میلی راوی- شخصیت را به وارد شدن در گفت‌وگو نشان می‌دهد. در مجموع، تمام این‌ها تأثیری طنزآلود از جانب راوی- شخصیت ایجاد می‌کند. البته با توجه به پایان تکان‌دهنده داستان، این طنز متوجه خود راوی- شخصیت می‌شود.

۲-۳. نوشتار غیرمستقیم

نوشتار غیرمستقیم از نظر صورت و نقش موازی گفتار غیرمستقیم است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۰۵).

۳۱. اما برای اینکه روشن کنم، نه که من بخواهم، اما وقتی برمی‌داری می‌نویسی که بعضی حرف‌ها که از این طرف و آن طرف شنیده‌ای دل‌نگرانت کرده است خواستم بی‌خبر نمایی.

(هوشنگ گلشیری، نیمه تاریک ماه، ۱۸۷)

در روزنامه، ممکن است فاعل ساخت گزارش‌کننده به طور مجازی عناصری همچون نام سازمان، یا نوع نوشته باشد نه کنشگر اصلی فعل نوشتاری (مثال ۳۲):

۳۲. پیش‌نویس قطعنامه جدید از کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهد بر فعالیت‌های مالی خود با بانک‌های ملی و صادرات ایران «نظارت» کند.

(اعتماد، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۲)

۳-۳. اندیشه غیرمستقیم

اندیشه غیرمستقیم با وجود تشابه صوری با همتای گفتاری و نوشتاری خود نقش خلاصه‌کنندگی ندارد، بلکه این تأثیر را در خواننده به وجود می‌آورد که تصور کند تمام محتوای گزاره‌ای افکار خاصی که در ذهن کسی در نقطه‌ای از روایت می‌گذرد، برای او آشکار است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۲۷) (مثال ۳۳):

۳۳. مأمور بلوچ در این فکر بود که هرطوری شده پول و پله‌ای پیدا کند و دومرتبه بگریزد به همان بیابان‌های داغ، بالاخره بیابان آن‌قدر وسیع است که امنیه‌ها نمی‌توانند او را پیدا کنند.

(بزرگ علوی، گیله مرد)

بیشتر فعل‌های اندیشه غیرمستقیم از نوع شناختی‌اند؛ مثل اندیشیدن، حدس زدن، دانستن. تنوع این فعل‌ها در داستان بیشتر است.

۴. گفتمان غیرمستقیم آزاد^{۲۷}

۴-۱. گفتار غیرمستقیم آزاد

این شیوه بازنمایی گفتار آمیزه‌ای از ویژگی‌های زبان‌شناختی گفتار غیرمستقیم و مستقیم است. در اغلب زبان‌ها، ضمائر و زمان فعل متناسب با روایت راوی است؛ ولی محتوای سخن و برخی ویژگی‌های گفتاری خاص گوینده در آن حفظ می‌شود و اشاری‌های^{۲۸} مکانی و زمانی (مثل اینجا، آنجا، حالا، امروز و...) نیز مناسب گفتار مستقیم است. نداشتن علامت نقل قول از ویژگی‌های صوری گفتار غیرمستقیم آزاد است. ساخت گزارش‌کننده گفتار نیز می‌تواند حذف شود (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۸۲) (مثال ۳۴):

۳۴. به گفته خبرنگار الجزیره مردم غزه از این اقدام نیروهای امنیتی تشکر کردند.

آنان با خود کانتینرهایی برای خرید و حمل سوخت به مصر بردند.

(ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۵) تقریباً دوسوم از موارد گفتار غیرمستقیم آزاد در داده‌های

مطبوعاتی پیکره شبیه مثال ۳۵ هستند:

۳۵. احمدی نژاد با بیان اینکه برخی‌ها در برخی رسانه‌ها حرف‌هایی زده‌اند که نه ارتباطی به نامه من به حداد عادل داشت و نه ارتباطی به پاسخ مقام معظم رهبری، گفت: برخی‌ها این طور تلقی کرده‌اند که گویی قانون اساسی ما اشکال دارد، ظاهراً ذهن این گونه افراد، ذهنی صفر و یکی دارند...

(همشهری، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۲)

و ویژگی‌های زیر را دارند:

۱. لانه‌گرفته^{۲۹} هستند و لانه‌گیری اغلب درون یک بند گزارش‌کننده گفتار مستقیم (مثلاً احمدی نژاد گفت:) رخ می‌دهد؛

۲. موضوع گفتاری را معرفی می‌کنند که به دنبال بند میزبان می‌آید؛

۳. مستقل نیستند (وابسته ساخت گزارش‌کننده گفتارند، مثل با بیان اینکه)؛

۴. برخلاف زبان‌های دیگر، تغییر زمان و ضمائر نقش چندانی در تعیین مقوله ندارد و می‌تواند همچون اشاری‌ها مناسب گفتار مستقیم باشد. تنها وابستگی به ساخت گزارش‌کننده گفتار است که آن را با گفتار مستقیم متفاوت می‌سازد.

در هر حال، حضور هر ویژگی زبانی چه در سطح دستور و چه در سطح واژگان که دال بر حرکتی از سوی کنترل راوی به سمت خود صدای گوینده است، آن را با گفتار غیرمستقیم متمایز می‌سازد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گفتار غیرمستقیم آزاد حتی ممکن است به لحاظ دستوری وابسته بند گزارش‌کننده باشد؛ ولی اثر واضحی از صدای خود گوینده را هم داشته باشد.

انگیزه کاربرد گفتار غیرمستقیم آزاد در بخش مطبوعات برخلاف بخش داستانی، بیشتر پرهیز از تکرار فعل گزارش‌کننده است. بخش داستانی پیکره پیچیده‌ترین موارد گفتار غیرمستقیم آزاد را دارد و تنوع صوری آن نیز در این بخش بیشتر از بخش غیرداستانی است. این شیوه احساس فاصله یا کنایه^{۳۰} را به کسی می‌رساند که گفتارش بازنمایی می‌شود. قسمت‌های مشخص‌شده مثال ۳۶ نمونه‌ای از این شیوه در داستان است. در مواردی مانند مثال ۳۶ وقتی بند گفتار غیرمستقیم آزاد وابسته دستوری هیچ ساختی نیست، زمان و ضمائر، به‌گونه‌ای که با روایت راوی متناسب باشد نه گفتار گوینده، تغییر می‌کند.

۳۶. زن برادر صاحبخانه‌ام را بعد از چند ماه در خیابان می‌بینم. در صورتم خیره می‌شود. لاغرتر شده‌ام. چرا؟ مریض بوده‌ام. نه. اما خیلی لاغرتر شده‌ام و ضعیف‌تر. باید لبخند بزنم.

(شمیم بهار، طرح)

بازنمایی گفتار غیرمستقیم آزاد کم‌بسامدترین مقوله‌ی بازنمایی گفتار است. بسامد مقوله‌ی یادشده در بخش داستانی و غیرداستانی بیکره تفاوت چندانی ندارد. نبود پربسامد بند گزارش‌کننده در گفتار غیرمستقیم آزاد به این معناست که خواننده ناچار است خود، هویت گوینده‌ی مربوط را از سرنخ‌های بافتی استنباط کند؛ از این رو، ممکن است مواردی باشد که بین این مقوله، روایت راوی و یا مقوله‌هایی چون اندیشه‌ی غیرمستقیم آزاد ابهام پیش بیاید. این ویژگی می‌تواند بسامد کلی به نسبت کم آن را توجیه کند.

۲-۴. نوشتار غیرمستقیم آزاد

نوشتار غیرمستقیم آزاد از نظر صورت و نقش موازی گفتار غیرمستقیم آزاد است. کاربرد آن در داستان به بی‌واسطه‌گی و صراحت روایت کمک می‌کند؛ اما در روزنامه بیشتر ناشی از گرایش به پرهیز از تکرار بند گزارش‌کننده‌ای است که گزارشگر نوشتار از قبل آن را مشخص کرده است.

۳۷. پسر بزرگه نامه داد. نوشت که ننه من نماز می‌خوانم و در راه وطنم می‌جنگم.

(گلی ترقی، اناربانو و پسرانش)

۴-۳. اندیشه‌ی غیرمستقیم آزاد

مقوله‌ی اندیشه‌ی غیرمستقیم آزاد در ادبیات به گفتار درونی یا جریان سیال ذهن شخصیتی در داستان، معروف است و باعث عمق روان‌شناختی داستان می‌شود. در این مقوله معمولاً از ساخت‌های پرسشی و عاطفی استفاده می‌شود و از آنجایی که مانند گفتار غیرمستقیم آزاد آمیزه‌ای از به‌کارگیری ویژگی‌های غیرمستقیم و گفتمان مستقیم است، هم‌زمان صدای راوی و شخصیت شنیده می‌شود (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۲۳). بررسی‌های کمی نشان می‌دهد اندیشه‌ی غیرمستقیم آزاد در درجه‌ی اول فقط پدیده‌ای داستانی است (مثال ۳۸):

۳۸. هستی خسته شده بود. از خودش بازخواست می‌کرد: چرا از سلیم پرسیده بود دستشویی کجاست؟ درحالی که نیم ساعت پیشش همان‌جا بود؟ مادر بزرگ گوش

می‌ایستاد. مامان عشی گوش می‌ایستاد و حالا هستی... چرا به قول لندهور پا بر سر چنان عادت زشتی نمی‌گذاشت؟

(سیمین دانشور، جزیره سرگردانی، ۱۶۱)

اندیشه غیرمستقیم آزاد در مقایسه با صورت‌های دیگر بازنمایی اندیشه، از جمله اندیشه مستقیم (آزاد) که در قسمت‌های بعد توضیح داده می‌شود، دسترسی به ذهن شخصیت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. این امکان در حالت عادی در زندگی واقعی ناممکن است (در زندگی واقعی گفته‌های مردم را می‌شنویم نه افکارشان را)؛ زیرا اندیشه امری شخصی است. تصمیم نویسنده به فراهم کردن امکان چنین دسترسی خودبه‌خود احساس نزدیکی و همدلی راوی را به شخصیت‌ها نشان می‌دهد و به خواننده نیز منتقل می‌سازد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، این مشخصه با ویژگی گفتار غیرمستقیم آزاد که تأثیر فاصله‌گذاری ایجاد می‌کند، کاملاً در تضاد است. اولین بار لیچ و شرت (۱۹۸۱) به این تفاوت اشاره کردند.

۵. گفتمان مستقیم

۵-۱. گفتار مستقیم (آزاد)

ویژگی معمول گفتار مستقیم حضور ساخت گزارش‌کننده گفتار بر سر بندی است که استقلال نحوی دارد و در ابتدا و انتهایش علامت نقل قول آمده است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۸۸) (مثال ۳۹). استفاده از این علامت وفاداری راوی را به گفتار گوینده نشان می‌دهد.

۳۹. زلم گفت: « نقشه‌های گچبریش بود: بته‌جقه و گل و بوته و مردی لاغر که انگار

فقط لنگی به خودش بسته بود. چند تا پرنده و آهو هم بود.»

(هوشنگ گلشیری، نیمه تاریک ماه، ۱۹۷)

راوی در بازنمایی گفتار دخالتی ندارد و حضورش تنها در ساخت گزارش‌کننده گفتار و علائم نگارشی محسوس است که آن نیز حذف‌شدنی است. در صورت حذف یک یا هر دوی این نشانه‌ها، بازنمایی به شیوه گفتار مستقیم آزاد صورت می‌گیرد. گفتار مستقیم آزاد گونه‌ای از گفتار مستقیم است و شیوه مستقلی به‌شمار نمی‌آید (مثال ۴۰). در داده‌های فارسی گرایش به حذف علامت نقل قول بیشتر است.

۴۰. گفت: من نمی‌خواهم مثل تو وجه‌المصالحه شوم.

- من هم نمی‌خواستم، ولی همیشه بی‌خبر می‌آید.

(همان، ۴۱۲)

در موارد بسیار معدودی، بند گزارش‌کننده گفتار (قسمت خط کشیده‌شده در مثال زیر) شاید به‌تأثیر از زبان‌های دیگر بند گفتار مستقیم (قسمت پررنگ در مثال زیر) را می‌گسلد و در جایگاه گسست قرار می‌گیرد:

۴۱. سنگین و لخت، مبل می‌گوید، دو دستش را بر دسته‌ها گذاشته بود. اگر این جنس آدمی فریادی بزند یا به هق‌هقی حفره‌های ما را بینبارد...

(همان، ۴۰۹)

گفتار مستقیم (- آزاد) نقش‌های متفاوتی در داستان و گزارش خبری دارد. در داستان می‌توان به نقش‌های زیر اشاره کرد:

۱. تشدید تأثیر عاطفی یا واقع‌نمایی (با وانمود کردن اینکه گفتمانی پیش از گفتمان فعلی وجود داشته است و راوی آن را موبه‌موباز می‌نمایاند).

۲. شخصیت‌پردازی (بخش زیادی از هویت یک شخصیت در داستان از طریق حرف‌های مستقیم وی مشخص می‌شود).

۳. جنبه‌نمایشی دادن به روایت و بی‌واسطه جلوه‌دادن آن.

از نقش‌های گفتار مستقیم (- آزاد) در روایت‌های خبری روزنامه نیز به موارد زیر می‌توان اشاره کرد (بل^{۳۱}، ۱۹۹۱: ۲۰۸):

۱. روشن کردن واقعیت مسلمی که بتواند در جایگاه شاهد مورد استفاده قرار بگیرد؛ به‌ویژه اگر گزارشگر گفتار اولیه را ضبط کرده باشد.

۲. ایجاد فاصله بین گزارشگر و آنچه منبع گفتاری می‌گوید تا مسئولیت محتوا یا شکل گفتار بازنمایی‌شده متوجه گزارشگر نباشد.

۳. آمیختن گزارش به چاشنی کلمات خود شخص خبرساز.

۲-۵. نوشتار مستقیم (آزاد)

نوشتار، شیوه‌ای ارتباطی است که به‌طور عادی شامل ارتباط رودررو و فوری نیست. به‌این دلیل، بیشتر از گفتار می‌تواند رسمی باشد؛ در نتیجه تأثیر نمایشی که در مورد گفتار مستقیم (آزاد) وجود داشت در مورد نوشتار مستقیم (آزاد) کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ به‌ویژه در داستان که موارد نوشتار مستقیم (آزاد) از گفتار مستقیم (آزاد) بسیار کمتر است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۰۸).

۴۲. نوشتم: من زنده‌ام. از تشنگی به خواب رفته‌ام. اگر یک سطل آب روی صورتم بریزید به هوش می‌آیم و آب می‌خورم، آب می‌خورم... اینجا گرم است، آتش است، آتش...

(حسین مرتضائیان آبکنار، کنسرت تارهای ممنوعه، ۷۱)
در روزنامه، تأثیر نوشتار مستقیم (- آزاد) مثل گفتار مستقیم (- آزاد) است، با این تفاوت که به صدای شخصیت‌های خبر حالت نمایشی نمی‌دهد؛ به‌علاوه چون منبع خبر متنی نوشتاری است، انتظار می‌رود بازنمایی کلمه به کلمه به گفته‌های اصلی وفادار باشد.

۴۳. در همین رابطه خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس در گزارشی با اشاره به نشست اعضای ۵+۱ درباره برنامه هسته‌ای ایران در برلین نوشت: «پنج عضو شورای امنیت و آلمان بر سر اعمال تحریم‌های جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران به توافق رسیدند اما ظاهراً اقدامات جدید کمتر از خواسته‌های گذشته آمریکاست.»

(جمهوری اسلامی، ۴ بهمن ۱۳۸۶، ۱۲)
در موارد بسیار معدودی، بند گزارش‌کننده نوشتار (قسمت خط‌کشیده شده در مثال زیر) بند نوشتار مستقیم (قسمت پررنگ) را می‌گسلد و در جایگاه گسست قرار می‌گیرد:

۴۴. «به صلح با جهان» نوشته بود کاتب «اگر آدمی بخواهد برسد، تاریکی را باید در لفافی از فراموشی پنهان کند».

(هوشنگ گلشیری، نیمه تاریخ ماه، ۴۲۶)

۳-۵. اندیشه مستقیم (آزاد)

اگرچه مقوله‌های بازنمایی اندیشه به‌لحاظ صوری با مقوله‌های نمایش گفتار متناظر است، تأثیر و نتیجه کاربردشان کاملاً متفاوت است (سمینو، و شرت، ۲۰۰۴: ۱۱۸) (مثال ۴۵):

۴۵. من در زیر نگاه‌های محبت‌آمیزش که همچون خنجری در دلم کارگر می‌شود آهسته‌آهسته را می‌خورم و با خودم می‌اندیشم: آیا این همان شکو است، همان است که من روزی زبانش را بریده‌ام؟ همو است که از من مثل کودکی پرستاری می‌کند؟ (بهرام صادقی، ملکوت)

شباهت اندیشه مستقیم (آزاد) به گفتار در این مثال‌ها بسیار آشکار است. چون تأثیر ایجادشده مثل تأثیر مکالمه بین «خود»-های مختلف یک شخصیت است.

بازنمایی اندیشه مستقیم در صورتی که استنباطی باشد - یعنی زمانی که راوی محدود اندیشه شخصیت‌های دیگر را بازنمایی می‌کند - باعث می‌شود روایت ساختگی به نظر برسد.

در مورد اندیشه مستقیم آزاد معمولاً نبود علامت نقل قول به خواننده کمک می‌کند تا بازنمایی گفتار مستقیم را از بازنمایی اندیشه مستقیم تمیز دهد. تنوع فعل‌های گزارش‌کننده اندیشه به نسبت محدود است. برخی فعل‌ها با فعل‌های گزارش‌کننده گفتار مشترک‌اند (مثل گفتن و پرسیدن). بند گزارش‌کننده اندیشه نیز ممکن است قبل و بعد یا وسط بند اندیشه مستقیم (آزاد) بیاید.

نتیجه‌گیری

بازنمایی گفتمان را نمی‌توان به شیوه‌ای خاص، مثلاً گفتمان غیرمستقیم آزاد تقلیل داد. برای این کار امکانات مختلفی در اختیار نویسنده‌ها هست که هر یک می‌تواند ویژگی‌های منحصربه‌فردی را در گفتمان یا متنی خاص بروز دهد و در خدمت مقاصد خاص نویسنده قرار بگیرد. در این مقاله، شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتمان معرفی، و ویژگی‌های صوری، نقشی و بسامدی‌شان در گفتمان ادبی (داستان) و رسانه‌ای (گزارش خبری روزنامه) در زبان فارسی بررسی و مقایسه شد. با وجود برخی مشترکات، تفاوت‌های آشکاری بین دو گفتمان به لحاظ استفاده از شیوه‌های بازنمایی گفتمان دیده می‌شود. به جز تفاوت در نقش این شیوه‌ها در داستان و خبر، گزارش کوتاه زیر از یافته‌های کمی این بررسی، می‌تواند این مقایسه را عینی‌تر نشان بدهد. داستان در مقایسه با گزارش خبری روزنامه، به لحاظ کمی ویژگی‌های زیر را دارد:

۱. در داستان، بسامد کلی مقوله‌های بازنمایی گفتار اندکی کمتر از روزنامه است.
۲. پربسامدترین مقوله در داستان، گفتار مستقیم آزاد و موارد آن بیشتر از روزنامه است.
۳. کم‌بسامدترین مقوله در داستان، گفتار غیرمستقیم آزاد و موارد آن کمتر از روزنامه است.
۴. داستان بیشتر از روزنامه از شیوه‌های مستقیم بازنمایی گفتار استفاده می‌کند و این امر با توجه به تلاش نویسنده در نمایشی کردن روایت توجیه‌پذیر است.
۵. داستان در مقایسه با روزنامه بازنمایی نوشتار بسیار کمی دارد.

۶. داستان در مقایسه با روزنامه بازنمایی اندیشه بسیاری دارد و ۹۰ درصد بازنمایی غیراستنباطی است، در حالی که در روزنامه بیش از نیمی از موارد محدود بازنمایی اندیشه استنباطی است.
۷. روایت حالت درونی بیشترین بسامد را در داستان دارد.
- ۸- اندیشه غیرمستقیم با اختلاف کم، دومین رتبه بسامدی را دارد.
۹. اگر روایت حالت درونی را با توجه به ویژگی خاصی که آن را در مقابل چهار مقوله دیگر بازنمایی اندیشه قرار می‌دهد در نظر نگیریم، آن‌گاه اندیشه غیرمستقیم مقوله هنجار در بازنمایی اندیشه قلمداد می‌شود.
۱۰. اندیشه غیرمستقیم آزاد و اندیشه مستقیم آزاد تنها در داستان حضور دارند.
۱۱. داستان در استفاده از مستقیم‌ترین صورت‌های بازنمایی اندیشه، اندیشه غیرمستقیم آزاد و اندیشه مستقیم آزاد از شیوه هنجار بازنمایی در این تراز دور می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در انگاره بازنمایی یا ارائه گفتمان، اصطلاح «گفتمان» مشتمل است بر گفتار، نوشتار و اندیشه؛ اما در تعابیر مانند گفتمان ادبی، گفتمان خبری، گفتمان سیاسی و... اصطلاح گفتمان، ناظر بر زبان در کاربردهای ویژه در یک بافت خاص است.

2. Semino & Short

3. Leech

4. Pragmatic

5. Cohn

6. Narrator's Representation of Voice

در اصطلاح روایت صدا - که معادل این اصطلاح به کار برده‌ام - و نیز در روایت نوشتار (پی‌نوشت شماره ۸) و در روایت کنش گفتار/ نوشتار/ اندیشه (پی‌نوشت شماره ۱۰-۱۲)، روایت به مفهوم عام آن، یعنی بیان، نقل یا بازنمایی مورد نظر است نه به مفهوم خاص آن در اصطلاحاتی مانند روایت داستانی/ خبری/ جریان روایت.

7. Stream of Consciousness

8. Narrator's Representation of Writing

9. Internal Narration

10. Narrator's Representation of Speech Act (without/ with Topic)

11. Narrator's Representation of writing Act (without/ with Topic)

12. Narrator's Representation of Thought Act (without/ with Topic)

13. Indirect Speech

14. Indirect Writing

15. Indirect Thought

16. Free Indirect Speech

17. Free Indirect Writing

18. Free Indirect Thought

19. (Free) Direct Speech
 20. (Free) Direct Writing
 21. (Free) Direct Thought
 22. Speech Act
 23. Speech Event

۲۴. منظور از زاویه دید در اینجا زاویه دید گفتمانی (Discoursal Point Of View) است نه زاویه دید داستانی (Fictional Point Of View). زاویه دید گفتمانی ناظر بر رابطه‌ای است که مؤلف پنهان (Implied Author) با داستان و شخصیت‌های داستانی دارد. در واقع، گفتن داستان از طریق گفتار یا اندیشه یک شخص به معنای اتخاذ زاویه دید آن شخص در گفتمان است. «داستان بر خلاف انواع ادبی دیگر زاویه دیدهای بیشتری می‌تواند داشته باشد و داستان‌نویس امکانات بی‌شماری برای انتخاب زاویه دید دارد.» (شرت، ۱۹۹۷: ۲۵۷). زاویه دید گفتمانی دلالت‌های ارزشی دارد و روحیات و نگرش مؤلف، راوی و یا شخصیت‌ها را نیز نشان می‌دهد. شیوه ارائه رخدادها و شخصیت‌ها می‌تواند خواننده را به سمت قضاوت‌های اخلاقی و یا عاطفی بکشاند. رمان می‌تواند گفتمانی تودرتو داشته باشد؛ از این رو، ارزش‌های هر لایه گفتمانی ممکن است (اما نه الزاماً) با لایه‌های دیگر متفاوت باشد (لیچ، و شرت، ۱۹۹۷: ۲۷۶). (برای آشنایی با زاویه دید داستانی بهتر است به فرانتس استنزل ۱۹۸۱ مراجعه شود).

25. Illocutionary Force
 26. Reporting Structure

۲۷. مفهوم گفتمان چندصدایی و درهم تنیدگی متقابل دو بافت در مورد گفتمان غیرمستقیم آزاد، یعنی بافتی که بازنمایی می‌کند و بافتی که بازنمایی می‌شود، و از نظریه باختین در مورد ساخت مکالمه و رمان چندصدایی گرفته شده است. باختین تعبیر گفتمان در گفتمان و گفتمان بر گفتمان را به کار می‌برد (ر.ک: التین، ۱۹۹۳؛ وینسنت، و پرین، ۱۹۹۹). وی در *مارکسیسم و فلسفه زبان* (۱۹۲۹) اصول مکالمه را در گفتار نقل شده اعمال می‌کند؛ ولی بر این تأکید می‌ورزد که هم جوانب نحوی و هم جوانب معنایی و منظورشناختی را باید در نظر داشت؛ زیرا مبالغه در هریک از این عوامل و کنار گذاشتن بقیه به برداشت نادرستی منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر گفتمان غیرمستقیم آزاد تنها برحسب ویژگی‌های نحوی تعریف شود، در آن صورت تنها مؤلف است که صحبت می‌کند و برعکس، اگر تنها برحسب مشخصه‌های معنایی و منظورشناختی تعریف شود، آن‌گاه شخصیت است که صحبت می‌کند. در هر دو مورد ماهیت مکالمه‌ای و دوصدایی گفتار نادیده گرفته می‌شود، در حالی که واقعیت این است که در این شیوه هم‌زمان، مؤلف و شخصیت صحبت می‌کنند و لحن مؤلف (فاصله‌گذاری) و شخصیت (برانگیختن همدلی) در یک ساخت زبانی واحد همزیستی دارند.

نزد نظریه‌پردازان انگلیسی، دو برداشت مسلط در مورد گفتمان غیرمستقیم آزاد هست: برداشت اول بر استقلال کامل این گفتمان از اعمال نظر راوی تأکید می‌کند. در این تعبیر، راوی به نفع شخصیت کنار می‌رود یا ناپدید می‌شود. برداشت دوم آن را شیوه‌ای می‌داند که به صداها و دیگر امکان می‌دهد با صدای تک‌گویی راوی رقابت و آن را تضعیف کند. گون (۲۰۰۴) در بررسی این گفتمان در رمان‌های جین آستن می‌گوید این برداشت‌ها درست یا غلط در مورد این رمان‌ها صدق نمی‌کند. منظور

جین آستن در استفاده از گفتمان غیرمستقیم آزاد بازنمایی گفتمان مستقل شخصیت نیست، بلکه نوعی تقلید از سوی راوی است. همان‌طور که در گفتار غیررسمی ممکن است کسی گفتمان دیگری را به‌طور خنده‌داری تقلید کند، در اینجا نیز می‌شود راوی‌ای را تصور کرد که می‌تواند برای مدت کوتاهی تغییر صدا بدهد و آشکارا یا پنهانی به صدای گفتار یا اندیشه شخصیت درآید. یکی از ویژگی‌های رمان‌های جین آستن صدای قدرتمند و قابل اعتماد راوی است. در این رمان‌ها گفتمان شخصیت بارها با نظردادن‌ها و لحن ارزیابانه راوی درمی‌آمیزد. این آمیختگی حتی درون یک جمله واحد هم رخ می‌دهد. در واقع لذت زیبایی‌شناختی چنین جمله‌ها و متونی ناشی از این تغییرات ظریف در شیوه بازنمایی گفتمان است.

۲۸. اشاری‌ها (Deictic Expressions) واژه‌هایی هستند که بخشی از معنایشان را از بافت می‌گیرند.

29. Embedded

۳۰. رضانی (۱۹۸۸) به تفصیل به ارتباط بین گفتمان غیرمستقیم آزاد و کنایه پرداخته است.

31. Bell

منابع

- Bakhtin, M. M. (Voloshinov) (1929). *Marksizm i Filosofiya Yazika*. Leningrad.
- Bell, A. (1991). *The Language of News Media*. Oxford: Blackwell.
- Cohn, D. (1978). *Transparent Minds: Narrative Modes for Presenting Consciousness in Fiction*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Gunn, Daniel, P. (2004). "Free Indirect Discourse and Narrative Authority in Emma". *Narrative*. 12/1 (January), The Ohio State University.
- Leech, G. N. and M. H. Short. (1981). *Style in Fiction*. London: Longman.
- Oltean, Stefan. (1993). "A Survey of The Pragmatic and Referential Functions of Free Indirect Discourse". *Poetics Today*. 14:4 (Winter)691- 712.
- Ramazani, Vaheed. (1988). *The Free Indirect Mode: Flaubert and the Poetics of Irony*. Charlottesville: University Press of Virginia.
- Semino, E. and M. Short. (2004). *Corpus Stylistic: Speech, Writing and Thought Presentation in a corpus of English writing*. USA and Canada: Routledge.
- Stanzel, F. (1981). "Teller-Characters and Reflector-Characters in Narrative Theory". *Poetics Today*. 2, 2, pp. 5-15.
- Vincent, Diane and Lauren Perrin. (1999). "On the Narrative Vs. non-Narrative Functions of Reported Speech: A Socio- Pragmatic Study". *Journal of Sociolinguistics*. 3/3:pp. 291-313.